

تا فردا



من فردا را
 برایت عیدی خواهم داد
 فردا با رخت های پاک
 بدون لکه ای خون
 فارغ از تشویش انفجار
 با لب های خندان
 با دست های پُر از یکدلی و محبت
 تو را در گذر آشنا
 با باران بوسه های شاعرانه
 به آغوش کشیده خواهم گفت
 عیدت مبارک
 من فردا را
 به عریانی تمام قصه های عشق
 با تو در میان خواهم گذاشت
 فردای ما
 حرفی از شمشیر و باروت
 نخواهد داشت
 باشد که فردا کسی خورشید را
 به قربانگاه بی خردی
 اعدام نکند
 و ما فردا با حرارت تمام عشق
 بوسه به خورشید خواهیم زد
 که مهد مهر و محبت و موهبت است
 ما فردای این گونه خواهیم داشت
 زیبا و دوست داشتنی
 ما فردا عید خواهیم داشت
 عزیزکم تا فردا ...